

به بهانه خبر رئیس صندوق رفاه دانشجویی درباره ایجاد خوابگاه متهالی برای ۲۵ هزار نفر از دانشجویان

تو فکر یک سقف

آذر صدارت | روزنامه نگار

پرونده

دیروز، «ذوالفقار یزدان مهر»، رئیس صندوق رفاه دانشجویان کشور در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به کمبود چشمگیر خوابگاه‌های متهالی برای دانشجویان گفت: «در مصوبه اخیر صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، احداث یک یا دو سرای متهالی تصویب شده است؛ حتی برخی از دانشگاه‌ها مشغول ساخت شهرک‌های رفاهی متهالی هستند. هم اکنون یک هزار و ۱۰۰ دانشجوی متهال در خوابگاه‌های متهالی ساکن هستند و در روزهای آینده، برای ۲۵ هزار نفر از دانشجویان، خوابگاه متهالی ایجاد خواهیم کرد.» خبر خوبی که هر چند شرایط دانشجویان متهال فعلی را تغییر نمی‌دهد اما شاید نوجوانان الان که دانشجویان سال‌های بعد به حساب می‌آیند را سر

دوراهی ادامه تحصیل یا از دواج، از ترس فراهم نبودن شرایط شروع زندگی مشترک، قرار ندهد. طبیعی است که هر زن و مردی، دوست دارد بعد از عقد و از دواج، در کنار همسرش وزیر یک سقف زندگی کند؛ منتها زوج‌های دانشجوی، باتوجه به این که هنوز مشغول تحصیل هستند و فرصت چندانی برای ورود به بازار کار و کسب درآمد پس انداز پول برای تهیه منزل مسکونی نداشتند، معمولاً با سوال «الان از دواج کنیم یا بعد از دانش‌آموختگی؟» و مشکل «حالا که از دواج کردیم، چطور زندگی مشترکمان را شروع کنیم؟» مواجه‌اند. سوال و مشکلی که قرار بوده واحدهای خوابگاه‌های متهالی دانشگاه‌های سراسر کشور، راه‌حلش باشند اما به دلیل محدودیت این واحدها و تعداد زیاد متقاضی، این معضل همچنان سر جای خودش باقی‌است. با این خبر و مقدمات، اگر برایتان این سوال پیش آمده که شرایط گرفتن یک واحد خوابگاه متهالی چیست و حال و هوای زندگی در این سوئیت‌ها چگونه است، پرونده امروز را از دست ندهید.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۷
۲۹ دی‌القمده ۱۴۲۹ • ۱۱ آگوست ۲۰۱۸
شماره ۱۹۸۸۹

۱۱۱۲

درباره شوخی‌های مکرر کم‌دین‌های «خندانده شو» با نقش پدر در خانواده

به جایگاه پدر ن‌خندیم

سید مصطفی صابری

وضعیت کشور طوری است که هر کسی تنها یک‌دوره در زمینه بهتر کردن حال و هوای مردم قدمی بردارد، یک گام بزرگ و اساسی در مقیاس ۸۰ میلیون نفری برداشته؛ حتی ۸۰ میلیون لب‌خند کوتاه هم کم نیست، چه رسد به شادی دامنه دار و مستمری که بر نامه‌ای مثل «خندوانه» نصیب مخاطبش می‌کند. اساساً خیلی از ما بین تمام برنامه‌های تلویزیون فقط مخاطب خندوانه و گاهی به ناچار اخبار هستیم و در برابر بمباران شدید اخبار و اتفاقات بد، فقط خندوانه است که فرصت یک تنفس خوب را برای ما فراهم می‌کند؛ آن هم نه فقط برای بزرگ‌ترها یا کوچک‌ترهای خانواده، بلکه برای همه اعضا. خندوانه به اندازه ارزش و اعتباری که دارد مسئولیت سختی هم دارد. اساساً برنامه‌ای که دیده می‌شود ضعف‌هایش هر چند کوچک به چشم می‌آید و گرنه شاید در خیلی از برنامه‌های تلویزیون، مجری با پیغام هم بیاید آب از آب تکان نخورد چون کسی برنامه را نمی‌بیند. این روزها رقابت جذاب «خندانده شو» نشاط کم‌دی و هیجان مسابقه راهمزمان به خانه‌ها وارد شده اما به مرور ایده‌های جوانانی که در این مسابقه شرکت کرده‌اند خیلی تکراری شده؛ در مراحل اول یکی از شرکت‌کنندگان با پدرش، از دواج و کار شوخی کرد و سوژه او به طور متوالی در اجرای چند نفر دیگر تکرار شد. حالا بولد خلافت در ماجرا به کنار، کار نداریم خسته شدیم از پس به‌ماجرای پیدا کردن مورد مناسب برای از دواج در دانشگاه خندیدیم که دیگر این اواخر گریه‌مان می‌گیرد اما لااقل این موضوع، حتی تکراری‌اش محتوای نامناسبی ندارد. اما علناً و عملاً در خندوانه جایگاه نقش پدر در خانواده بین کم‌دی‌های فانتری شرکت‌کنندگان در حال تخریب جدی است. به جرقه‌های معمولی در شوخی با پدر بزرگ و عمو و شوهر عمه کاری نداریم. اما رابطه پدر و فرزند و استمرار شوخی با آن در خندوانه، هم کسالت‌بار شده هم بار منفی دارد. واقعا نمی‌شود از یک کم‌دی که توسط یک هنر جو آماده شده انتظار داشت آموزنده باشد اما می‌شود توقع داشت که بار منفی نداشته باشد. علی‌صوری، متین، ابوطالب و امیر حسین قیاسی کسانی هستند که حداقل یک استندآپ کامل را به پدر گرامی‌شان اختصاص داده‌اند. کاملاً هم بدیهی است که ماجراهایی که گفته بودند شوخی بوده اما واقعا تأثیرش روی مخاطب به خصوص نوجوانان که به طور معمول فکر می‌کنند پدرها در کشان نمی‌کند هم شوخی است؟ بستر دیگری برای شوخی کردن در برنامه نیست؟ به این فکر کردیم بر سر جامعه‌ای که نقش‌آرزنده ووالای پدر در حد موجودی بدخواه و بدبین، با نقشه‌های شکست خورده پایین بیاید، چه می‌آید؟ به خصوص حالا که تیم‌مربیان، نویسندگان و مشاوران به هنر جو‌ها مشاوره می‌دهند و عملاً خروجی یک گروه را تماشا می‌کنیم نه یک نفر را، انتظار می‌رود برنامه خوب و پر بیننده‌ای مثل خندوانه که بین تمام سنین و طبقات و قشرها مخاطب دارد، به به قیمت خنداندن مخاطب مرتکب اشتباهی نشود که خدای ناخواسته عواقب بدی داشته باشد.



در چه شرایطی یک واحد خوابگاه متهالی به زوج‌های دانشجو تعلق می‌گیرد؟

زندگی مشترک آقا و خانم دانشجو



مقطع تحصیلی (دکتری تخصصی بیشترین امتیاز را دارد)، داشتن یا نداشتن فرزند (به ازای هر فرزند ۵ امتیاز؛ تا حداکثر دو فرزند)، واحدهای درسی گذرانده شده (امتیاز واحدها در هر مقطع تحصیلی متفاوت است)، رتبه‌های علمی و ورزشی، فاصله از شهر محل سکونت و مدت زمانی که از تاریخ عقد می‌گذرد، بعضی از معیارهای جدول امتیاز بندی است. دانشجویهایی که از ۵۰-۴۰ مورد این جدول،

زندگی دانشجویی در شهری غیر از شهر محل سکونت، پر از سختی‌های کوچک و بزرگ است؛ مستقل شدن یک‌هویی و از سر ناچاری، نگرانی و تلاش برای تأمین هزینه‌های دانشگاه و خورد و خوراک و اجاره جایی برای زندگی و دلتنگی برای خانواده، مهم‌ترین دغدغه‌های دانشجوی‌های دور از خانه است. حالا این سختی‌ها را چند برابر کنید تا بدانید دانشجوی‌های متهال چطور روزگار می‌گذرانند. بعضی‌ها که دور از آتش نیستند، می‌گویند «خب به دانشجوی‌های متهال که خوابگاه تعلق می‌گیره»، اما همه دانشگاه‌ها خوابگاه متهالی ندارند و بعضی از دانشگاه‌ها هم که چنین امکانی به دانشجوی‌ها می‌دهند، شرط‌های سختی پیش‌پاشان می‌گذارند. قوانین و آگذاری خوابگاه متهالی در دانشگاه‌های کشور با هم متفاوت است؛ مثلاً بعضی دانشگاه‌ها فقط به دانشجوی‌های تحصیلات تکمیلی خوابگاه می‌دهند و در بعضی دانشگاه‌ها فقط به دانشجویان مرد، به عنوان سرپرست خانواده، خوابگاه متهالی تعلق می‌گیرد. چند شرط کلی نسبتاً ثابت اما موجود دارد؛

● امتیاز ت‌چنده؟

خوب است بدانید که خوابگاه‌های متهالی بر اساس یک جدول امتیاز بندی به متقاضیان تعلق می‌گیرد؛ به این صورت که یک فهرست بلند بالا از معیارهای مدنظر دانشگاه تهیه شده است، به هر کدام از موارد امتیازی اختصاص داده‌ام و اولویت دانشجوی‌ها برای گرفتن خوابگاه بر اساس مجموع امتیازاتشان سنجیده می‌شود.

یک زوج جوان از تجربه زندگی مشترک در یک واحد خوابگاه متهالی می‌گویند

سخت بود اما ارزشش را داشت



سند از دواج و چک ضمانت برای تخلیه واحد. ضمن این که آن سال، اجاره‌بهای هر واحد برای هر ترم ۴۰۰ هزار تومان بود. نکته‌آز ار دهنده این خوابگاه‌ها، پروسه پیگیری و گرفتن‌شان است که نیازمند چندین ماه صبر و حوصله و سماجت و دوندگی زیاد است. تعداد بسیار زیادی دانشجوی متهال متقاضی وجود دارند که همگی در نوبت‌ورز هستند و تکاپوی جفت‌و جور کردن مدارک؛ به همین دلیل تا لحظه آخر بالاتکلیف هستی و نمی‌توانی برای شروع زندگی مشترک، برای پولت، برای اسکان و... برنامه‌ریزی داشته باشی. منتها اگر به دلایلی مثل تمام نشدن در س، نداشتن شرایط مناسب اقتصادی برای تهیه خانه مستقل یا برنامه‌ریزی برای پس‌انداز پول، عزمت را برای زندگی در خوابگاه متهالی جزم کرده‌ای، باید خسته نشوی. سخت است اما ارزشش را دارد. »

● خوابگاه متهالی؛ فرصت شیرینی برای با هم بودن

زهره، همسر جواد هم حرف‌های جالبی درباره شرایط زندگی در خوابگاه متهالی دارد: «سال ۹۳، من ۲۲ سال داشتم و دانشجوی مقطع کارشناسی کتابداری دانشگاه فردوسی مشهد بودم. من هم مثل جواد، تا پیش از دواج خوابگاهی بودم اما بعد از از دواج، دوست داشتم کنار جواد، کنار هم زندگی کنیم. این بود که از ایده خوابگاه متهالی استقبال کردم و وقتی تلاش‌هایمان به سرانجام رسید، خیلی خوشحال بودیم. به این ترتیب، یک سوئیت کوچولوی ۳۵ متری، با یک هال، سرویس بهداشتی و یک آشپزخانه اوپن جمع و جور، شد اولین خانه مشترک من و جواد که یک سال شیرین را در آن به سر بردیم. ساختمان محل سکونت ما، ۶۰ واحدی بود و تعداد زیادی زوج دانشجوی با رشته‌ها و مقاطع مختلف، با بچه‌هایی به در همسایگی‌مان زندگی می‌کردند. همسایه‌هایی که با بعضی‌هایشان ارتباط صمیمانه‌تری داشتیم و برخی را هم در حد سلام و علیک می‌شناختیم. فضا‌های مُشاع توسط مسئولان خوابگاه نظافت و مراقبت می‌شد و از محدودیت‌های رفت و آمد خوابگاه‌های مجردی، خبری نبود. جالب است بدانید که تعداد زیادی از ساکنین خوابگاه، دانشجویان خارجی بودند که خب با هم بیشتر می‌جوشیدند. پس که آن سوئیت کوچک بود، فقط چند تکه از وسایل زندگی‌مان را به آن جانتقل کردیم و بقیه، خانه پدر و مادرهایمان بود. آن سال، گرچه از هم‌اتاقی‌های خوابگاه سابق و خانواده‌ام دور مانده بودم و گرچه در یک فضای محدود و شاید به نظر بقیه دلگیر زندگی می‌کردم اما یکی از شیرین‌ترین سال‌های زندگی‌ام بود. چون علاوه بر این که فرصت زندگی در کنار همسر مرا داشتم، از بابت سرو و کله‌زدن با صاحبخانه و تهیه و دیعه و اجاره، خیال‌مان راحت بود.»

